



یک روش تخریبی که در کشورهای دیکتاتورزده مطلوب‌ترین بازده را دارد

محمد فروغی اصل

اختیار یک کشور مسلمان، خطر بالقوه‌ای برای رژیم صهیونیستی بود... بدین ترتیب، بعد از اتمام جنگ ایران و عراق، صدام حسین به خیال خودش مستقلاً تصمیم گرفت که به کویت لشکر بکشد و آنجا را اشغال کند. نمی‌دانم او چقدر در نیت خود صادق بود ولی ناخودآگاه تصمیمی گرفت که

دارد و در همین زمان، کاخ سفید هیاتی را مامور بررسی اتفاقات بعدی نمود. هیات مزبور پیشنهاد کرد که طرحی تهیه شود تا بعد از اتمام جنگ ایران و عراق، امکانات پیشرفته عراق نابود شود و سپس کاخ سفید، عده‌ای را مامور تهیه طرح نمود تا بعد از اتمام جنگ، امکانات عراق نابود شود، زیرا وجود آن امکانات در

ژنرال شوارتسکف، فرمانده عملیات طوفان صحرا (جنگ نفت) در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: "وقتیکه ایران خرمشهر را آزاد کرد و اعلام نمود که برای گذشتن از عراق و آزادی بیت المقدس آماده می‌شود، آمریکای تصمیم گرفت که بلافاصله عراق را به اندازه‌ای تجهیز نماید تا عراق بتواند ایران را در داخل مرزهای خود نگه



برنامه ریزان آمریکایی با ارایه یک سری اطلاعات از طریق رسانه های عمومی، صدام حسین و عراق را به سوی یک تصمیم گیری از پیش طراحی شده هدایت کردند.

در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ اکثر افراد کتاب "تکاپوی جهانی" را خواندند. در آن کتاب پیش بینی شده بود که طی یکی دو سال آینده، قیمت نفت به حدود ۸۰ تا ۸۵ دلار خواهد رسید و در همان زمان بود که دولت جمهوری اسلامی ایران در شدیدترین مراحل جنگ تحمیلی، ورود انواع و اقسام کالاهای مصرفی را آزاد اعلام کرده بود و به هر کسی که قصد مسافرت به کشورهای خارجی را داشت، ۵۰۰۰ هزار دلار براساس هر گذرنامه به نرخ دولتی تحویل می داد. آقای مهندس موسوی در توجیه این تصمیم در مصاحبه ای فرمودند که ما می خواهیم ثابت کنیم که ملت ما با قدرت و رفاه عمومی امکان ادامه جنگ را دارد و بعد از اتمام ذخایر ارزی کشور توسط مسافران خارج از کشور و فراریان از جنگ، و با شروع نبرد نفت کشها در خلیج فارس، قیمت نفت از ۳۵ دلار بالاتر نرفت و پایین تر هم آمد و تمام برنامه هایی که بر اساس نفت بشکه ای ۸۵ دلار پیش بینی شده بود، نقش بر آب شد و آقای میرحسین موسوی در ۱۳۶۵ شرایط جدید اقتصادی را برای محکم بستن کمر بندها اعلام نمود زیرا ذخایر ارزی مملکت

بر اساس پیش بینی های کتاب تکاپوی جهانی پر نشده بود و آن کتاب توسط کمیسیون سه جانبه نوشته شده بود که آقایان کسینجر و ویلی برانت دو عضو ارشد آن بودند و گویا فقط در ایران ترجمه شده بود تا فقط برنامه ریزان ایران آن کتاب را بخوانند و گول بخورند.

ارایه اطلاعات به منظور هدایت فردی خاص و یا قوم یا ملتی خاص برای یک نتیجه گیری و یا تصمیم گیری از عمده ترین سلاحهای استکبار جهانی است که برای نیل به اهداف خود بیشترین استفاده را از آن می برد.

البته استفاده از مکانیزمهای کنترل رفتاری در حقیقت یک نوع ابزار است که فی نفسه دارای ارزش مثبت یا منفی نیست و این نیت استفاده کننده است که آنرا دارای ارزش مثبت یا منفی می کند. در حقیقت یک تفنگ است که هم می تواند به عنوان یک اسلحه آزادی بخش مورد استفاده قرار بگیرد و هم به عنوان یک ابزار تخریب. هم اکنون بیشتر دولت ها از این ابزار برای هدایت ملت خود به سوی ترقی و پیشرفت استفاده می کنند و طبیعی است که در برابر دشمنان خود نیز آن را به عنوان اسلحه مورد استفاده قرار دهند. از این ابزار در مدیریت شرکتها و بنگاههای اقتصادی نیز برای افزایش بهره وری و کنترل بازار و هدایت رفتار مشتریان استفاده وسیعی می شود که در این مقاله مورد

نظر ما نیست.

مادر ایران از این ابزار استفاده نمی کنیم و به همین خاطر هم هست که عدم موفقیت های زیادی در سیاست داخلی و خارجی داشته ایم. قبل از فروپاشی شوروی سابق، دو نفر از دانشمندان علوم ارتباطات امریکایی جزو مشاورین آقای یلتسین که بعد از فروپاشی شوروی رییس جمهور روسیه شد، بودند و از همین ابزار برای سوق دادن یلتسین به سوی سیاست های مطلوب آمریکا بهترین استفاده را کردند.

آنچه جالب توجه است این که فعلا تئوری های استفاده از مکانیزم های کنترل رفتاری فقط در مورد افراد به تنهایی دارای اعتبار و قابلیت است و در مورد جمع از اعتبار و قابلیت قابل قبولی برخوردار نیست و می تواند نتایج خلاف انتظار به بار بیاورد و در نتیجه استفاده از آن به عنوان اسلحه بر ضد دشمنان فقط در مواردی قابلیت دارد که تصمیم گیری توسط فرد و یا افراد کاملاً محدود انجام گیرد، یعنی اگر در کشور مورد هدف، تصمیم گیری به شکل استبدادی و یا فردی باشد و فردی به عنوان راس هرم قدرت، تمام تصمیمات اصلی را بگیرد و بقیه فقط آنرا توجیه کنند یا مورد تعریف و تمجید قرار دهند و جرات اظهار نظر هم نداشته باشند، بهتر می توان از این ابزار استفاده کرد. به همین دلیل نیز فعلا کشورهایایی که به الگوهای دموکراسی نزدیکترند، مصونیت دارند. در حقیقت، وجود دموکراسی و مردم سالاری و یا فقدان افرادی به عنوان فصل الخطاب نوعی مصونیت در برابر این نوع تهاجم ایجاد می کند و در کشورهای جهان سوم وجود افرادی مثل صدام که خود به تنهایی تحلیل می کنند و به تنهایی تصمیم می گیرند و سایر افراد جرات اظهار نظر ندارند، بهترین محیط برای موفقیت تئوریهای کنترل رفتار است.

خلاصه اینکه برای موفقیت در تخریب امکانات دشمن و یا اخذ بهانه برای هر گونه حمله، وجود رژیم یا مشخصه تصمیم گیری فردی در کشوری مورد هدف، ضروری است تا بتوان با ارایه اطلاعاتی خاص و یا پخش اخباری حساب شده، احساسات فرد تصمیم گیر را تحریک کرد تا تصمیم مورد انتظار را اتخاذ کند.

